

## الگوهای قرآن به جوانان

حمیده دانشجو

جوان معمولاً در سه حوزه فکر و اندیشه، اخلاق، معاشرت اجتماعی نگرانی‌هایی دارد و خواسته یا ناخواسته به سمت و سویی گرایش پیدا می‌کند و در صورتی که الگوی مناسبی به وی ارائه نشود، به الگوهای نامناسب روی می‌آورد. از این رو قرآن، در راستای رسالت هدایتی و تربیتی خود، با بیان داستان‌های واقعی به ترسیم الگوهای مناسب پرداخته است.

### الف. حوزه فکر و اندیشه:

#### ۱. الگوی مبارزه با عقاید باطل و افکار باطل

الگوی جوان در این میان، حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> است که در سنین جوانی به مبارزه با بت پرستی پرداخت، وی ابتدا با سرپرست خود «آذر» گفتگو کرد و تا آن جا پیش رفت که از او و همفکرانش بیزارى جست. قرآن می‌فرماید: «ما وسیله رشد ابراهیم را از قبل به او دادیم و از شایستگی او آگاه بودیم، آن هنگام به آذر و قومش گفت: این مجسمه‌های بی‌روح چیست که شما همواره آنها را پرستش می‌کنید؟» در پاسخ گفتند: «ما پدران خود را دیدیم که آنها را عبادت می‌کردند» ابراهیم واکنش نشان داد و فرمود: «قطعاً هم شما و هم پدرانتان در گمراهی آشکاری بودید.» (سوره انبیاء، آیه ۵۳) ابراهیم در ادامه مبارزات خود، به مبارزه با بت پرداخت، یعنی علاوه بر این که با «تبر منطق» به جنگ با بت پرستان رفت، با تبر آهنین به جنگ بت‌ها نیز رفت، او همه بت‌ها را نابود کرد و تنها بت بزرگ را برای تنبّه آنان باقی گذاشت: «سرانجام آنان را قطعه قطعه کرد، جز بت بزرگشان، شاید سراغ او بیایند.» (سوره انبیاء، آیه ۵۸)

## ۲. الگوی هدفداری

یک نمونه از این الگو، اصحاب کهف هستند، اصحاب کهف جوانانی بودند خدا باور، که حاضر نشدند دست از عقیده خود بردارند و شعارشان این بود که «پروردگار ما، پروردگار آسمان‌ها و زمین است و جز او خدای دیگری را نمی‌خوانیم». (سوره کهف، آیه ۱۳)

اینان، آن چنان در راه عقیده خود استوار بودند که حاضر نشدند با طاغوت زمان هم‌نوا شوند، و لذا شهر و دیار، خانه و خانواده و حتی ملک و حکومت را رها کرده و به غاری پناه بردند: «بیادآور، هنگامی که جوانان به غار پناه بردند و گفتند: خدایا از سوی خودت به ما رحمت بده و زمینه رشد ما را فراهم فرما». (سوره کهف، آیه ۱۰)

## ب. حوزه اخلاق

### ۱. الگوی ایثار و از مال گذشتگی

در این زمینه الگوی معرفی شده توسط قرآن، حضرت علی<sup>(ع)</sup> است که در سوره هل اتی در کنار حضرت زهرا<sup>(س)</sup> به عنوان ابرار معرفی شده است و غذای خود را با این که به آن علاقه و نیاز دارند به مسکین، یتیم و اسیر می‌دهند و می‌گویند: «ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداشی، و سپاسی از شما نمی‌خواهیم». (سوره دهر، آیات ۵-۹)

همه محدثان و مورخان شیعه و بسیاری از دانشمندان اهل سنت معتقدند که این آیات درباره علی<sup>(ع)</sup> و خانواده‌اش نازل شده است.

ظاهراً علی<sup>(ع)</sup> و حضرت زهرا برای بهبود حسنین از بیماری نذر کرده بودند که سه روز، روزه بگیرند، به هنگام افطار روز اول، غذای خود را به مسکین دادند، روز دوم آن را به یتیم و روز سوم آن را به اسیر بخشیدند و خود گرسنه ماندند.

### ج. حوزه معاشرت اجتماعی

#### ۱. الگوی همکاری

قرآن با نگاهی به اسماعیل<sup>(ع)</sup> به عنوان یک جوان اشاره کرده است و آن شاگردی و همکاری با ابراهیم<sup>(ع)</sup> است. در جایی می‌فرماید: «هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه خدا را بالا آوردند.»

در این برنامه، اسماعیل جوان شاگرد ابراهیم است و به کمک پدر خانه خدا را می‌سازد پدر نیز شریک است که می‌گوید: «خدایا از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی، پروردگارا ما را تسلیم فرمان خود قرار بده و از دودمان ما امتی که تسلیم فرمان تو باشند، پدید آور و توبه ما را بپذیر...». (سوره بقره، آیه ۱۲۷)

## ۲. الگوی عفو و گذشت

در داستان حضرت یوسف<sup>(ع)</sup>، در قرآن می‌خوانیم که برادران وی به او بدی کردند، نسبت به وی حسادت ورزیده و گفتند: «یوسف و برادرش، نزد پدر از ما محبوب‌ترند، سپس با طرح نقشه‌ای، او را از یعقوب جدا کرده و به بهانه گردش و تفریح به صحرا بردند و می‌خواستند او را بکشند و یا در جایی دور از دسترس رها کنند اما بالاخره او را در چاه رها کردند و بعد نیز با دروغ و نیرنگ که او طعمه گرگ شده است، نزد پدرشان برگشتند.

یوسف در چاه قرار گرفت و کاروانیان سر رسیدند و به امید کشیدن آب، دلو و طناب را در چاه رها کردند، اما به جای آب، یوسف را بیرون کشیدند، سپس او را با قیمت ناچیزی فروختند و به این ترتیب یوسف از یعقوب جدا شد و در خانه عزیز مصر جای گرفت برادران با یوسف این‌گونه عمل کردند، اما یوسف مراحل سخت را یکی پس از دیگری پشت سر نهاد، تا آنجا که به پادشاهی مصر رسید برادران برای تهیه آذوقه از کنعان به مصر آمدند، اما یوسف نه تنها انتقام نگرفت، بلکه نهایت احترام و اکرام را به آنها نمود و حتی کالای مجانی به آنها نیز داد و سرانجام به آنها گفت:

«امروز هیچ ملامت و توبیخی بر شما نیست، خدا شما را می‌بخشد». (سوره یوسف، آیه ۹۱)

## الگوی منحرفان (پسر نوح)

قرآن علاوه بر آنکه الگوهای مثبت را معرفی کرده، الگوهای منفی را نیز معرفی کرده، یکی از آنها پسر نوح - کنعان - است.

حضرت نوح، سالیان دراز قوم خود را به سوی حق و عبودیت خدا فرا می‌خواند اما عده‌ای اندک به او گرویدند و بسیاری از جمله پسرش به دعوت وی پاسخ مثبت ندادند. نوح مأمور ساختن کشتی و سوار کردن مؤمنان بر آن شد تا از بلای غرق شدن نجات یابند نوح کشتی را ساخت و مؤمنان بر آن سوار شدند و برآب حرکت کردند، نوح پسرش را فراخواند و از او دعوت کرد که با وی سوار کشتی شود و به وی گفت: «پسر من، با من سوار شو و در صف کافران مباش» و منظور این بود که ایمان بیاور اما پسرش پاسخ داد: «به کوه پناه می‌برم و از غرق شدن رهایی می‌یابم».

نوح به پسرش تأکید کرد که کوه نیز کارساز نخواهد بود، در این حال میان پدر و فرزند موجی ایجاد شد و پسر در کام مرگ فرو رفت.

